

عقل وعلم

مؤلف: محمد سروس

سرشناسه: سروش، محمد، ۱۳۲۴

عنوان و پدیدآور: عقل و علم/مؤلف محمد سروش

مشخصات نشر: آبادان، انتشارات حضرت ابوالفضل العباس(ع)، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال - ۵-۴-۲۵۳۰-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: فیپا

یادداشت: ع. به انگلیسی Aghl wa Elm

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: عقل گرایی(اسلام)

موضوع: عقل و ایمان

موضوع: روحگرایی

رده بندی کنگره: ۴۴۷۳ س/ ۲۲۹/۲ Bp

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۱۲

شماره کتابخانه ملی: ۴۱۲۹۷-۸۵م

انتشارات حضرت ابوالفضل العباس ♦ (ع)

آبادان، کوی کارگر ردیف او ۲۳ اطاق ۸

شماره تماس: ۰۹۱۶۷۸۱۲۹۰۰

شناسنامه کتاب

نام کتاب عقل و علم

مؤلف محمد سروش

نوبت چاپ اول / ۹۵

چاپخانه نهضت

شمارگان ۱۵۰۰

قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

شابک ۵-۴-۲۵۳۰-۹۶۴-۹۷۸ 5-4-2530-964-978

ناشر، حروف چینی، برایش و صفحه آرائی..... انتشارات ابوالفضل العباس ♦ (ع)

موضوع..... فهرست..... صفحه	مقدمه..... ۵
----------------------------	--------------

بخش اول

عقل و تبعات آن در متون

اسلامی..... ۱۱	واژه عقل..... ۱۱
معنای عقل..... ۱۳	ویژگی انسان..... ۱۴
عقل چیست..... ۱۵	مراتب عقل نظری..... ۱۶
تفاوت عقل بالفعل با عقلمالکله..... ۱۸	مراتب عقل عملی..... ۱۹
مراحل عقل..... ۲۳	فضیلت عقل و خرد..... ۲۴
انواع عقل..... ۲۵	اقسام عقل..... ۲۵
عقل غریزی..... ۲۵	عقل مستفاد..... ۲۵
عقل مطبوع..... ۲۶	عقل مسموع..... ۲۶
عقل اکتسابی..... ۲۶	عقل اخروی..... ۲۶
کاربرد نخست عقل..... ۲۷	عقل بهترین هادی..... ۲۷
عقل حجت خداست..... ۲۸	عقل مسموع در قرآن..... ۲۸
عقل نظری و عقل عملی..... ۲۹	عقل عملی..... ۲۹
عقل نظری در روایات..... ۳۱	عقل عملی در قرآن..... ۳۱
عقل عملی در روایات..... ۳۱	سایر کاربردها..... ۳۱
درجات عقل..... ۳۲	جلالت عقل و شرافت علم..... ۳۳
توابع عقل..... ۳۴	

موضوع..... فهرست..... صفحه	فرق میان عقل و علم..... ۳۴
اهمیت عقل..... ۳۶	سنایش عقل..... ۴۶
احاطه علمی نشانه تجرد عقل..... ۳۷	ادراک مسبب الاسباب عقل..... ۳۸
عقل معاد را درک می کند..... ۳۸	عقل علمی و عملی..... ۳۹
عقل علمی..... ۳۹	عقل عملی..... ۳۹
عقل و آزادی..... ۳۹	آزادی بر محور عقلانیت..... ۴۰
انکار عقلانیت در ایمان..... ۴۲	بن بست عقل..... ۴۵
آزادی عقل..... ۴۶	حکم عقل و حکمت عقلانی..... ۴۸
عقل زن..... ۵۱	بخش دوم عقل و دل..... ۵۳
عقل و دین..... ۵۴	عقل و معاد..... ۵۶
عقل و اصول و فروع..... ۵۷	عقل و روزه..... ۵۸
عقل و حج و جهاد..... ۵۸	بخش سوم عقل، از دیدگاه علم روحی
علم روحی جدید..... ۶۱	تعریف علم روحی جدید..... ۶۱
فایده علم روحی جدید..... ۶۳	مشکل علم روحی جدید..... ۶۵
عقل چیست؟..... ۶۶	عقل و علم..... ۶۶
آلودگی عقل..... ۶۹	عقل سالم..... ۶۹
محل عقل..... ۷۰	

موضوع..... فهرست..... صفحه	موضوع..... فهرست..... صفحه
اثر عقل در جهان پنهان..... ۱۰۸	عقل باطن نظریه موریس ماگرو..... ۷۰
ارتباط جسد اثیری و مادی..... ۱۱۳	عقل ناخود آگاه..... ۷۱
امواج مادی و اثیری..... ۱۱۴	عقل والا..... ۷۲
عقل انسان از جنین تا عالم ارواح..... ۱۱۵	عقل اعظم..... ۷۲
بقای عقل پس از مرگ..... ۱۲۲	عقل والاثر..... ۷۲
ارتباطات درجهانهای روحی..... ۱۲۶	ابر عقل..... ۷۳
ارتباط انسان عالم مرئی	عالم علم انفس جدید..... ۷۴
با انسان عالم نامرئی..... ۱۲۷	نظریه سانکلیر ستوژت..... ۷۴
دلایل عقلی بر وجود روح..... ۱۲۸	نظریه لیفسنال..... ۷۵
ارتباط روح با عقل..... ۱۲۸	ارتباط عقل با ماده..... ۷۶
عقل چیست؟ و جایگاه آن کجاست؟..... ۱۲۹	ارتباط فکری نیروی حافظه..... ۷۷
روح و عقل جوهر مجرد و مستقل..... ۱۳۰	نقش عقل پس از مرگ..... ۸۰
عقل را چگونه اطلاق به روح کرده‌اند؟..... ۱۳۱	آیا عقل چیزی از مخ جدا می‌باشد؟..... ۸۱
میان عقل و روح جداییست..... ۱۳۳	عقل و تأثیر آن در ماده و اثیر..... ۸۲
فکر چیست؟..... ۱۳۵	نظریه مایزر..... ۸۳
چگونگی حیات در جهان ارواح	عقل خالق دولت ماده است..... ۸۴
در رابطه با عقل..... ۱۳۷	بیان چگونگی ارتباط با عقل و مخ..... ۸۵
هیچ نیروی عقلی و معنوی در ماده	آیا عقل مخ را تغذیه می‌کند؟..... ۸۶
نیست..... ۱۴۰	عوامل درک موجودات اطراف
تفاوت دو جهان مادی و اثیری..... ۱۴۲	و محیط..... ۸۸
شناخت عالم بزرگ..... ۱۴۳	توانایی عقل..... ۸۹
تداخل جهان ها..... ۱۴۶	جاودانگی عقل..... ۹۰
ارتقاء انسان در عالم اثیری..... ۱۴۶	جهان فیزیکی..... ۹۴
حرکت امواج و جهان هستی..... ۱۴۷	اثیر چیست؟..... ۹۴
عقل جنین .. فکر چیست؟..... ۱۵۲	جهان هستی و عقل..... ۹۵
عقل ما در خواب ما..... ۱۵۳	تغذیه و رشد عقل..... ۹۷
دلیل عقلی بر بقاء روح..... ۱۵۳	انسان بی عقل..... ۹۸
عقیده فلسفه قدیم درباره روح..... ۱۵۵	مرگ عقل..... ۹۹
علم از نظر سقراط..... ۱۵۵	هستی ما..... ۱۰۰
دلیل عقلی بر بقاء روح..... ۱۵۶	جهان هستی و عقل..... ۱۰۲
نتیجه..... ۱۵۸	عالم اثیری چیست؟..... ۱۰۴

مقدمه:

انسان موجودی است که اشرف مخلوقات است زیرا همه ی موجودات درعالم طبیعت دارای هدایت تکوینی هستند یعنی خداوند در سرشت آنها هدایتی قرارداده که در مسیر استعداد خود به سوی هدف می روند. مثلاً خورشید و ماه و ستارگان و ابرو و برف و درخت و کوه و جنگل و رودخانه و باد، هر کدام مسئولیت هایی دارند که بدون تمرد و وظایف خود را انجام داده و اختیار تمرد از وظیفه خود را ندارند. هر کدام دارای عقولی هستند که در حد نیاز و استعداد خود از آنها بهره می برند. و وظیفه خود که خدمت رسانی به طبیعت است انجام می دهند و نیازی نیست که هدایت تشریعی داشته باشند چون هدایت تشریعی مخصوص موجوداتی است که دارای اختیارند. و از آنها تکلیف خواسته خواهد شد که در مسیر آنها راه های رشد و غی گذاشته شده و به آنها فجور و تقوی الهام گردیده است. و به آنها اجازه داده شده تا مسیر درست را خود آنها انتخاب نمایند. مانند انسان که خداوند تصمیم داشته است او را خلیفه الله معرفی کند و کل سرسبد طبیعت و موجودات و مخلوقات خود باشد. خداوند بر اساس لطف و مهربانی و دلسوزی و نیروهای کمکی به انسان داده است. تا در انتخاب راه به خطا نروند. آنها مشاورینی هستند که راه تشخیص را به انسان می فهمانند. و بدون انتظار، صادقانه به انسان خدمت می نمایند. مانند عقل، علم، دل، عشق، وجدان، احساس بالا، معرفت، مهر و محبت.

روح را از عالم امر و لاهوت و عقل را از عالم جبروت و قدرت و عزت به او عنایت نمود. و جسم اثری که جسم اصلی او قرار دارد یا جسم ملکوتی که روح انسان را مصور کرده و پوشش می دهد، مربوط به عالم ملکوت است.

البته هر چیز ملکوت دارد و ملکوت همه در دست خداوند است «سبحان الذی بیده ملکوت کل شی» (آخرین آیه سوره یس) بوسیله جسم ملکوتی جسم فیزیکی اداره می شود. جسم فیزیکی معلول جسم ملکوتی است. اراده انسان در جسم اثری و ملکوتی است و جسم فیزیکی فرمانبردار است. خداوند متعال، گوهرهای گرانبهائی به انسان عنایت فرموده است؛ معمولاً اکثر انسانها، تا زمانی که در قید حیات هستند؛ ارزش آنها بی خبرند و آن را به ثمن بخش «بهاء کم» می فروشند. این سرمایه های اصلی انسان، می توانند آدمی را به سعادت ابدی برسانند؛ ولی بر اثر بی توجهی ما، آلوده شده و گردوغبار غلیظ

نفس، آن را احاطه کرده لذا درست از آن استفاده نمی نمایند. اما بعد از انتقال از این جهان موقت ناسوتی به جهان ممتد ملکوتی، متوجه می شویم؛ که چه اشتباه بزرگی مرتکب شده ایم؛ که قدر و ارزش و معیار این جواهرات را نفهمیده بودیم .

یکی از این جواهرات، گوهر عقل ، دیگری گوهر قلب و عشق، سومی، گوهر روح و نفس است که به توفیق الهی، از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته شده . تا قبل از ترک این دنیا و رهایی از قید جسم خاکی و انتقال به جهان دیگر، نسبت به اهمیت این جواهرات واقف شویم و در صد دنگهداری و حفظ و حراست و استفاده صحیح از آنها بر آییم و نگذاریم که دستخوش تاراج شیطان نفس گردند و باعث افول انسانیت ما شوند .

اولین گوهری که این رساله به آن اختصاص دارد؛ گوهر عقل است؛ که نخستین گوهر آفرینش می باشد در بخش اول نظرات دانشمندان اسلامی و منابع دینی همراه با موضوعاتی از قبیل آثار و تبعات و تقسیمات عقل، اهمیت عقل، معنی عقل ، و راه استفاده از عقل بررسی شده است..

در بخش دوم، راجع به علم جدید روحی و جهان پنهان و آثار عقل انسان در جهان برزخی و استفاده از نظرات دانشمندان روحی بزرگ دنیا؛ مورد بررسی قرار گرفته است که بسیاری از پرسشهای مجهول را پاسخ خواهد داد و بسیاری از گره های بسته را در رابطه با عقل و جهان پنهان خواهد گشود .

انشاء الله در این مقاله در حد امکان به بررسی جواهر عقل می پردازیم زیرا که اگر عقل تحت کنترل و تربیت و هدایت وحی و قرآن و گفتار پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) قرار گیرد می تواند به مراد و مقصود و سعادت ابدی برسد .

عقل : اولین مخلوق خداوند است و رسول باطنی است و چشم و چراغ روح ما است . مخلوقی است مجرد و روحی و همیشگی است که زندگی آن با مرگ ما پایان نمی پذیرد و برای همیشه، همراه ما می باشد عقل به کمک وحی نیز تکالیف و دستورالعملهای زندگی بشر است که انسان بتواند با استفاده از آنها ضوابط مستقیم و سیر به سوی سعادت واقعی را دریابد و خود را از بیراهه ها و موانع و بن بست ها نجات دهد و به کمال مطلوب برسد. و این دستورالعملها را خداوند توسط فرشتگان مخصوص خود با حفاظت و امانت صحیح و سالم به بهترین بنده خدا، پیامبر اکرم (ص) رسانده که بنده ایست صدیق و پاک و امانتدار اسوه و الگو و مأمور حق ، که دارای عصمت از گناه و عصمت از اشتباه و دارای

عدالت می باشد و فرشتگان از پیامبر محافظت کرده و او را تنها نگذاشته تا وحی را به مردم ابلاغ کند. آن وقت دیگر تکالیف با خود مردم است. که اگر از این وحی و دستور العمل ها به کمک عقل استفاده کنند می توانند خود را برای صعود به سعادت ابدی آماده کند و اگر استفاده نکردند در گرداب جهل مرکب می مانند. وقتی بشر می تواند خوب از وحی و پیامهای آن بهره ببرد؛ که از گوهر تابناک عقل بهره مند شود. ما باید این گوهر تابناک را تا اندازه ای بشناسیم. ابتدا سری به منابع اسلامی و اندیشه های علمای اسلام می زنیم و بعد از تحقیقات دانشمندان غرب، علم روحی جدید را مورد بررسی قرار می دهیم و نتیجه می گیریم که علم و عقل همسو و مؤید همدیگر می باشند هم عقل حکم می کند که علم را بیاموزیم تا اثر مره آن بهره برداری نمائیم و هم علم عقل و اهمیت آن را برای ما بازگو می کند.

علم از تروشات عقلی است و نتیجه تعقل و اندیشه است و اولین نعمتی که خداوند به بشر آموخت علم است (و علم ادم بکلمات) قال انی اعلم مالا تعلمون ابتدا فرشتگان خود را از انسان برتر تصور می کردند. وقتی که خداوند آنها را آگاه کرد که به بشر نعمت علم عطا شده است.

آنها به دستور خداوند در برابر آدم سجده کردند. خداوند می فرماید: «آیا آنان که می دانند با آنها که نمی دانند مساوی هستند؟» و علما را بر جاهلان ترجیح داده است چون علما از نعمت عقلی استفاده می کنند و تسلیم جهالت نمی شوند ولی نادانان به علت بی بهرگی از عقل اسیر جهل شده و خود را به فساد مبتلا می کنند.

حضرت امام خمینی «ره» در کتاب شرح حدیث عقل و جهل یاران عقل را ۷۵ و دوستان جهل را به تعداد ۷۵ لشکر به ما معرفی می کند تا دوستان و دشمنان عقل را بشناسیم. عقل و علم به کمک هم می توانند آدمی را به سعادت برسانند یعنی وقتی علم و عقل همسو با وحی باشند موجب هدایت بشر می شوند چون بسیاری از علما هستند که علومشان در خدمت استعمار قرار می گیرد و محصول تراوشات علمی آنها به جای این که در خدمت بشریت باشد برضد بشریت عمل می کند.

عقل نیز در معرض خطرات فراوان و الودگی ها و بیماری ها است. گناه عقل را بیمار می کند. لغزشهای هوای نفس، عقل را به گمراهی می کشاند، و اگر برداشتهای نفسانی و شیطانی را به روح داد، روی آن اندوخته های فطری اولیه که خداوند در عالم ذر به

بشر آموخته گرفته می شود و روح از حقایق پوشیده می شود و کم کم کافر می شود چون کلمه کافر از کفر گرفته شده به معنی پوشیده شده بنا براین همه انسانها دارای اندوخته های فطری الهی هستند منتها رنگ هوای نفس و گناه روحی حقایق او پوشانده است.

عشقهای کاذب: که آلوده به هوای نفس اند درحقیقت راه بی راهه است عقل را ضایع می کند چون تمام توجهات او به سوی عشق غیرحق است. و بجز او به چیزی فکر نمی کند و واقعیت ها را نمی بیند بلکه هرچیز غیر از معشوق را باطل می داند. و این تا زمانی هست که به معشوق نرسیده است. و به او مجنون می گویند یعنی دیوانه یعنی کسی که عقل او ضایع شده است. اما عشق واقعی یعنی عشق به زیبایی مطلق عشق به غنای مطلق، عشق به قدرت مطلق که از عالم ذر به او اهدا شده است. و اگر انسان عاشق غیر او می شود در حقیقت عاشق خود اوست و به دنبال او می گردد ولی چون پرتوی از زیبایی او را در معشوق خیالی می بیند عاشق معشوق خیالی می شود.

عشق به حقیقت عشق به عدالت عشق به صداقت درحقیقت در نهاد او بوده است. مولوی می گوید «چون که بی رنگی اسیر رنگ شد، موسی ای با موسی ای در جنگ شد». یعنی روز اول فطرت فرعون هم مثل فطرت موسی رنگ خدایی داشت، ولی دنیا طلبی فرعون و هوای نفس او روی حقایق فطری او را پوشاند و رنگ آلودگی گرفت و فرعون شد ولی موسی از همان ابتدا که در رنگ خدایی بود در همان رنگ بدون رنگ دنیا پرستی، باقی ماند. پس رنگ عشق به دنیا و هوای نفس روی حقایق فطری او را می پوشاند.

خداوند بارها در قرآن کریم ما را به تدبیر و تعقل دعوت کرده است. و در احادیث یک ساعت عبادت همراه با تعقل و تفکر بالا تر از عبادت ۷۰ سال بدون تعقل است.

تفکر و تعقل در آثار طبیعت، ما را بیدار می کند تا خداوند حکیم را بهتر بشناسیم و پی به عظمت و قدرت و علم او ببریم.

گاهی اوقات امکان دارد که عقل کاملاً آگاه باشد و علم عقل را خوراک آگاهی داده باشد و بداند راهی را که می رود درست نیست اما با عین حال راه غلط را انتخاب می کند و دانسته به سوی چیزی که به ضرر اوست می شتابد.

علت آنست که عقل به انجام کارهای فجور هادت کرده و دچار یک نوع بیماری شده است. گاهی آنقدر مبارزه با آن برای انسان مشکل می شود که راه چاره از دست او خارج می شود و مبارزه با فساد برایش مشکل می شود و به دردمر می افتد. وزندگی انسان درهم می ریزد مثل معتادی که عواقب پناه بردن به مواد مخدر را می داند با عین حال به سراغ آن می رود. و گناهی که گاهی شخص عاقل و هدایت گرمرتکب می شود و دانسته به سراغ گناه می رود. که با فکر کردن و راه علاج بیماریهای عقلی و قلبی را پیدا کردن و تمرین و تلاش مصر بودن بر ترک و داشتن اراده و نگاه به خداوند می تواند از شر آلودگی قلبی و عقلی نجات پیدا کند.

بنا بر این برای درمان بیماری های عقلی اول باید بیماری دل را معالجه کرد. تا با بهبودی دل، عقل نیز معالجه شود.

این کتاب به ما کمک می کند تا بهتر عقل را بشناسیم و کار عقل را بدانیم این کتاب هم از علوم روحی جدید (اسپریسم و هم از علوم دینی) استفاده شده است. یکی از کارهای عقل تصویر سازی است. مثلا مهندسی که می خواهد برجی را بنا کند اول آن را تصور می کند یعنی با عقل خود در ذهن خود می سازد بعد از مدتی تصمیم می گیرد نقشه و ماکت آن را بسازد بعد با تهیه امکانات و داشتن شرائط لازم، شروع به احداث برج یا ساختمان مورد نظر خود می نماید.

علم، حاصل تراوشات و تجسمات ذهنی و عقلی است تفکران و تدبیرات و تعلقات اندوخته شده در ذهن علم است که همراه با تجربیات و آزمایشات به علم و بعد به عمل تبدیل می شود. علوم مختلفند و دارای رشته های گوناگون هستند؛ مانند علوم ریاضی، تجربی، روانشناسی، پزشکی، نجوم، ادبی، فلسفی، علوم کهنات، علم جفر، ابوریحان بیرونی کتابی دارد بنام «کله سره» شامل علم کیمیایمیا، هیمیایمیا، سیمیایمیا، علم عدد و علم حروف و علوم غریبه همه این علوم نیاز به تجربه و تعقل دارد بعضی از علوم هم مانند علم لدنی که مستقیما از طرف خداوند به بعضی از اولیاء خدا و انبیاء داده شده است. و علوم تجربی مدرسه ای نیست. البته علم عیب را خدا و ند می داند و هر کس که اوصلاح بداند «و ما یعلم الغیب الا هو» علم کتاب علمی است که نزد خداست و در سوره نمل آسف بن برخیا علم من الکتاب قسمتی از علم کتاب می دانست ولی در سوره رعد درباره حضرت علی (ع) می فرماید «و عنده علم الکتاب» یعنی تمام علم کتاب را (علی ع) می دانست. محمد سروش